



## نقض حق بر سلامت روانی کودکان به مثابه جرم دولتی

### جمال بیگی

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
(نویسنده مسئول)

Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

### فاطمه احدی

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
Fatemeh.ahadi1394@gmail.com

### ناصر آقامحمدی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
Aghamohammadi52@ut.ac.ir

### چکیده

**زمینه و هدف:** کودکان سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای هستند و برای رشد نیاز به محیطی مساعد دارند تا با مصون ماندن از آسیب‌ها و مخاطرات پیرامونی خود، مسیر سالم رشد و بالندگی را طی نموده و در آتیه با روان سالم عهده‌دار تکالیف حکمرانی مطلوب در کشور شوند که دولت نیز حسب قوانین عادی و اساسی و معاهدات بین‌المللی تکالیفی عهده‌دار است، هدف از این پژوهش بررسی و امکان‌سنجی نقض حق سلامت روان کودکان توسط دولت‌ها به مثابه یک جرم دولتی است به منظور پیشگیری از این رفتار در راستای سلامت جامعه هست.

**روش تحقیق:** این مقاله از نوع مرور گری و با شیوه و استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گردیده است. در تمامی مراحل پژوهش تلاش در راستای رعایت ملاحظات اخلاقی صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** دلالت بر این دارند که علیرغم اینکه جرائم دولتی در اکثر حوزه‌ها با نبود عنصر قانونی مواجه است اما در بحث حق بر سلامت روانی کودکان با توجه به الحاق اکثر کشورها به کنوانسیون حقوق کودک و همچنین اصول قانون اساسی و قوانین عادی من جمله ماده ۵۷۰ ق.م.ا.ت و قانون حمایت از کودکان، خلأ قانون موجود نیست و کودکان می‌توانند از حق سلامت روانی خود برخوردار و در صورت نقض این حق توسط افراد عادی دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان قوه قضاییه مکلف به مداخله و در صورت نقض گسترده و سامانمند آن و در راستای منافع دولت، جرم دولتی تحقق می‌یابد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به شرایط حساس کودکان و یافته‌ها، لازمه حفاظت از حق سلامت روانی کودکان، مستلزم جرم‌انگاری رفتارهای سامانمند دولت در این خصوص هست.

**کلیدواژه‌ها:** جرائم دولتی، سلامت روان کودکان، حق بر سلامت، حقوق بنیادین



دانشگاه آزاد اسلامی مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فرزندی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



## مقدمه

زمان اساسی شکل گیری شخصیت در دوران کودکی و نوجوانی هست، اهمیت پرداختن به این رشد جسمی و روانی کودکان و نوجوانان، امروز یک امر روشن است، از آنجاکه سلامت روان کودکان و نوجوانان، شالوده سلامت روان آنها در بزرگسالی قرار می گیرد، بدین سان سلامت روانی جامعه را شکل می دهد و کودکان و نوجوانان سرمایه های ملی هر جامعه ای هستند و در دین مبین اسلام از موضع عالی برخوردارند و تمامی زوایای حقوق کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که در حال حاضر سده فعلی را می توان سده رویکرد به حقوق کودکان و نوجوانان دانست، در ایران نیز قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به موضوع مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان با رعایت اسناد بالادستی توجه نموده است، همان طور که موضوع حقوق کودک در عرصه بین المللی نیز محور توجهات نهادهای بین المللی و دولت ها قرار گرفته است. تدوین و تصویب «کنوانسیون حقوق کودک» حاکی از دغدغه جامعه بین المللی در زمینه حقوق کودک است که جمهوری اسلامی ایران نیز به این پیمان نامه بین المللی به طور مشروط ملحق شده است و از طرف دیگر سند ملی حقوق کودک و نوجوان در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تصویب قرار گرفته و بدین سان یکی از پراهمیت ترین رسالت دولت ها، حمایت، تضمین حقوق کودکان و نوجوانان و تأمین سلامت ایشان از لحاظ جسمی و روانی است که این مهم هم در اسناد داخلی و هم اسناد بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

با به رسمیت شناخته شدن این حق، باید ضمانت اجرایی در نظر گرفته شود که مهم ترین ساختار برای تضمین این حق سلامت روانی و جسمانی کودکان و نوجوانان، بهره وری از ابزار کیفری با جرم انگاری رفتارهای تهدید کننده آنها و کیفردهی به مرتکبین این نقض کننده ها است، در این زمینه تکالیف دولت ها در حفظ سلامت روانی کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت است و علیرغم این اهمیت، در پاره ای از اوقات این دولت ها هستند که با سوء استفاده از سلطه خود، خود ناقض حق سلامت روانی کودکان و نوجوانان می گردند، بدین لحاظ جرائم علیه کودکان و نوجوانان آن هنگام که در امتداد اهداف حکمرانی و به طور سامانمند و از طریق حکومت صورت گیرد، می توان گفت که این نقض سلامت روانی کودکان و نوجوانان به مثابه جرم دولتی است.

## بازگفت مفاهیم

اقدامات دولت ها به تمامی مجاز نیست بلکه محتمل است که به سبب رسیدن به آماج خویش، آغازگر امور نامشروع شوند و حقوق بنیادین تابعان خود و شهروندان جوامع دیگر را نقض و صدمات مخاطره آمیز نسبت به حیات، بهداشت، سلامتی و اموال ایشان وارد نمایند (شیری، ۱۳۹۹: ۱۹۴). بدین سان زمان آن فرارسیده است، این تصور مردم که از شنیدن کلمه «جرم» بیش از هر چیزی رفتارهای مجرمانه مردم را در ذهن خود مجسم می کنند، مورد بازنگری قرار گیرد زیرا که دولت ها علیرغم تکلیف حفاظت از مردم، خود به ارتکاب جرم آن هم در مقیاس بزرگ مبادرت می نمایند و در بیان اهمیت موضوع خبر بسیار ناگوار این است که «دولت های مدرن در چنان مقیاس کلانی قتل و غارت می کنند که هیچ یک از گروه سارقان قادر به انجام آن نیستند» (گرین؛ وارد ۱۳۹۸: ۹). بنابراین مفهوم جرم دولتی، رفتارهای غیر دادگرایانه دولت ها در نقض حقوق بنیادین بشری انسان ها هست که علیرغم اهمیت آن، به دلیل چالش های متعدد در مطالعه و تبیین آن، جرم شناسی نسبت به مطالعه آن اقدام ننموده است. برای تبیین جرائم دولتی از سایر جرائم باید به ویژگی های اساسی آن توجه نمود، جرائم دولتی از نظر پژوهشگران جرم شناسی دو ویژگی اساسی دارند: بعد سازمانی جرائم و ماهیت سیاسی آنها (میر خلیلی، عبدالمهی، ۱۳۹۷: ۱۲۵) که حقیقت سیاسی آن برجسته تر است چراکه جرم دولتی به طور سامانمند و در راستای اهداف حکومت صورت می گیرد. از طرفی شیوع جرائم دولتی در یک سامان سیاسی، موجب کاهش سرمایه اجتماعی و خفیف شدن تعلق خاطر مردم به حکومت در نتیجه موجب تقلیل تعهد

۱. دولت (state) به معنای حاکمیت (قوای سه گانه و نهادهای وابسته) است نه صرفاً قوه مجریه.



به باورهای جامعه شده (جوادی، آقابابایی، ۱۴۰۰:۲) و حکومت رو به ضعف می‌رود و واضح است که حکومت‌ها برای دوام نیازمند افزایش تعهد شهروندان به ارزش‌های جامعه و در نتیجه تقویت جایگاه حکومت هستند.

تمامی پژوهشگران در شناسه جرم دولتی به سامانمند بودن آن، ارتکاب آن توسط حکومت به‌عنوان یک کل، تحقق آن در راستای منافع دولت‌ها، عدم توجه به نفع فردی مرتکب یا مرتکبان، تعریف موسع از جرم که شامل زمیولوژی گردد، اشاره می‌نمایند و این اشارات هم صحیح است چراکه اگر به شناسه قانونی جرم بسنده شود، دیگر به‌طور عملی جرم دولتی وجود نخواهد داشت زیرا دولت‌ها رفتارهای خود را جرم‌انگاری نمی‌کنند.

بنابراین گفته‌شده است «منظور از جرم دولتی رفتارهای به‌ظاهر قانونی دولت در نقض هنجارهای بنیادین داخلی و بین‌المللی، حق‌های طبیعی شهروندان و حقوق بشر است که متضمن آسیب‌های جدی محسوس و نامحسوس به شهروندان است» (شیری، ۱۳۹۹:۱۹۴) بدین‌سان می‌توان بیان نمود که جرم دولتی رفتارهای سامانمند تجلی‌یافته از دولت‌ها در راستای منافع سیاسی خود که متضمن نقض حقوق بنیادین بشری هست.

یکی از موارد نقض حقوق بنیادین بشری انسان‌ها توسط دولت، نقض حق سلامت عمومی است که خود به‌عنوان یکی از جرائم دولتی می‌تواند تلقی شود. حق بر سلامت یک حق ذاتی است و بدین‌سان حقی که بر تحقق بهره‌مندی از سایر حقوق تأکید دارد یک حق بنیادین و اساسی محسوب می‌شود و «حق بر سلامت و بهداشت عمومی، حق بر یک نظام حمایتی است که فرصت برابر بهره‌مندی از بالاترین سطح بهداشتی برای آحاد جوامع بشری از سوی دولت‌ها فراهم می‌نماید» (ذاکریان امیری و دیگران، ۱۳۹۷:۱۸۳) بدین‌سان حق بر سلامت یکی از حقوق بنیادین است که در صورتی که نقض این حق توسط دولت‌ها به‌طور سامانمند و در راستای اهداف و منافع حکومت مربوطه صورت گیرد، یک جرم دولتی تحقق‌یافته است.

موضوع سلامت کودکان یک امر بسیار مهم است که این سلامت خود در قالب سلامت جسم و سلامت روان قابل بررسی است که در این رابطه باید بین حق بر سلامتی و حق سالم بودن تمایز قائل شد زیرا حق بر سلامتی به معنای حق بر سالم بودن نیست چراکه سالم بودن به معنای بیمار نبودن است اما حق بر سلامتی دایره‌ای بسیار گسترده از بیمار نبودن دارد و دارای جهات مختلف جسمی، روانی و اجتماعی هست، حقی که لازمه‌اش برخورداری از فرصت‌های برابر برای همگان هست (نیاواری، ۱۳۹۲:۵۰) بدین‌سان بیمار نبودن یک درک حداقلی از حق بر سلامتی است. از این‌رو است که در اساس‌نامه سازمان بهداشت جهانی سلامتی را «یک حالت رفاه کامل جسمی، روحی و اجتماعی است و نه تنها نبود بیماری یا ناتوانی، برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول بهداشت یکی از حقوق اساسی هر انسانی، بدون تمایز از حیث نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، شرایط اقتصادی یا اجتماعی، هست» مورد اشاره قرار داده است.

در روان‌شناسی، مطالعه کودک ذیل عنوان «نظریه روان» مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بر مبنای این انگاره، روان کودک به احوالی چون باورها، آرزوها، اهداف و احساسات در تعامل با یکدیگر تعریف می‌شوند (عظیمی، ۱۳۷۸:۲۲) بنابراین برای مطالعه در سلامت روان کودکان، باید حالات مختلف کودکان در تعامل با یکدیگر که نتیجه آن حالت کلی کودکان است، مورد توجه قرار گیرد.

حق بر سلامت دارای ابعاد گوناگونی برای سلامتی و گستره مختلفی است که با سلامتی پیوستگی دارند و به‌طور معمول از سلامتی جسمی و روانی و مواقعی در کنار این دوازده سلامت معنوی و اجتماعی سخن گفته‌شده است (حبیبی مجنده، ۱۳۸۶:۱۰) اما در این سخن صرفاً موضوع نقض حق سلامت روان کودکان و نوجوانان به‌مثابه یک جرم دولتی، ادا خواهد شد. نخست لازم است که مفهوم سلامت روان مورد تبیین قرار گیرد، در این خصوص سازمان بهداشت جهانی سلامت روان را تشکیل‌شده از دو منظر دانسته است اول از دیدگاه سلبی سلامت روان که نداشتن اختلالات، علائم و مشکلات روانی را مورد اشاره قرار داده و دوم

1. Crime state
2. Theory of mind
3. World Health Organization (WHO)





از دیدگاه ایجابی که شامل ویژگی‌های مثبت مانند عزت‌نفس، حس چیرگی بر محیط و احساس خود اثربخشی هست (مهدوی، ۱۳۹۸: ۱۴۳) بنابراین در صحبت از سلامت روان، باید هر دو منظر مورد توجه قرار گیرد، هم بُعد سلبی و هم بُعد ایجابی، از این رو است که تأمین حق سلامت روان کودکان و نوجوانان که گروهی صدمه پذیر هستند از تکالیف حکومت‌ها است که نقض این حق (سلبی یا ایجابی) در صورتی که در راستای منافع و اهداف دولت‌ها و به صورت سامانمند باشد، جرم دولتی تلقی خواهد شد. بدین‌سان سلامت روانی در کودکان به معنای رسیدن به نقاط عطف رشد و عاطفی و یادگیری مهارت‌های اجتماعی سالم و نحوه مقابله با مشکلات است.

مقاله پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای، بامطالعه کتب و مقالات در ارتباط با موضوعات جرائم دولتی و سلامت روان کودکان و نوجوانان و تلفیق این دو مبحث با یکدیگر، با توصیف مفهوم شناسی و مبانی نظری و حکمرانی خوب (تأمین‌کننده این حق) به بررسی نقض سلامت روانی کودکان در قالب جرائم دولتی پرداخته خواهد شد.

### جستار و نگرش

#### ۱. بازگفت مبانی نظری و رویکردهای غالب بر جرائم دولتی

##### ۱-۱. مبانی نظری غالب بر جرائم دولتی

جرائم دولتی از جهات مختلف دارای اهمیت فراوانی هست زیرا در این‌گونه جرائم، حوزه ارتکاب جرم بسیار گسترده بوده و در قیاس بین مرتکبین جرم و بزه دیدگان جرم، بزه دیدگان جرم کاملاً بی‌دفاع و مرتکبین دارای اقتدار هستند و ... و از جایی که این جرائم توسط صاحبان قدرت صورت می‌گیرد، تعقیب جرائم دولتی در واقعیت با مشکلات همراه است (گل خندان، ۱۳۹۸: ۱۸۹) که لازم است بیان شود که نه تنها به‌طور عملی این جرائم بسیار به‌ندرت در حقوق داخلی کشورها تعقیب می‌شود بلکه در وقوع آن‌ها تحت عنوان جرائم دولتی نیز اطلاع‌رسانی صورت نمی‌گیرد و گویا چنین جرائمی از سوی دولت‌ها تحقق نمی‌یابد بلکه در سطح حقوق بین‌الملل است که دولت‌ها یکدیگر را متهم به ارتکاب جرائم دولتی می‌کنند.

##### ۱-۲. پنداره شناسی حق سلامت کودکان

بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (سلامتی حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً عدم وجود بیماری است) (Callahan, 77: 1973) به مفهوم دیگر در بحث سلامتی، نگاهی فراتر از بیمار نبودن مورد توجه جامعه جهانی است، بیانگر حق داشتن استاندارد زندگی مناسب برای سلامتی و رفاه است، در این زمینه دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرده که حق سلامت بخش اساسی حقوق بشر و درک ما از زندگی باعزت است، پس بین سلامت روان و حقوق بشر رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر وجود دارد و نقض حق‌های بنیادین بشری بر سلامت روان تأثیرگذار هست.

در مباحث مربوط به کودک، باید وجه ممیز طفل از غیر طفل تمیز داده شود، مبحثی که با کنکاش در کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات و حتی قوانین، به راحتی قابل تشخیص است که کمتر اتفاق نظری در این خصوص وجود دارد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۱: ۲۵). سیاست جنایی اسلام، حد طفولیت را سن بلوغ برشمرده است و در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ تأکید شده که منظور از طفل هر فردی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد در حالی که ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی، بدون تفکیک اصطلاح کودک و نوجوان، واژه عمومی کودکان را به افراد زیر ۱۸ سال مشروط به عدم تعیین سن دیگری در کشورها اطلاق نموده است ولی علیرغم این شرط درجایی که حقوق کیفری کودکان مطرح می‌شود، سن ۱۸ سال را ملاک قرار داده و در بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون مصوب نموده‌اند، مجازات اعدام و حبس ابد بدون بخشودگی را برای کلیه افراد زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام نموده‌اند، در حالی که در بخش ۱۱ مقررات سازمان ملل در مورد کودکان و نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰ میلادی اشخاص زیر ۱۸ سال را بدون قید و شرط نوجوان نامیده است.

1. WHO
2. OHCHR

۳. ویژه نامه شماره ۱۴۵۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۹ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان‌شهری، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۰۶ - داخلی ۲۳۴ و ۲۳۳



در حقوق ایران نیز علیرغم تعیین سن برای بلوغ (تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) که معیار پایان کودکی تلقی شده است، اما با نگاهی نو به سن مسئولیت کیفری برای کودکان، قانون‌گذار ایران بین جرائم تعزیری و جرائم موجب حد و قصاص قائل به تفکیک شده و در جرائم تعزیری به استناد ماده ۸۹ ق.م.ا. اقدامات تأمینی و تربیتی را در نظر گرفته و برای جرائم موجب حد و قصاص در صورت عدم درک ماهیت جرم و حرمت آن و یا وجود شبهه در رشد و کمال عقلی مرتکبین (۱۵ تا ۱۸ سال) به مجازات‌های فصل ۱۰ ق.م.ا. (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان) محکوم خواهند شد؛ بنابراین منظور از کودکان در این تحقیق افراد زیر ۱۸ سال تمام هجری شمسی است.

واژه سلامت به معنای «بی‌گزند شدن، از عیب‌رهایی یافتن و تندرستی است که در فارسی یا مصدری اضافه می‌کنند و سلامتی می‌گویند و این فصیح نیست» (عمید، ۱۳۶۹:۷۹۷) این معنای لغوی، در رساندن مفهوم موردنظر نویسندگان در این تحقیق، کامل نیست زیرا مفهوم موردنظر در این تحقیق، فراتر از تندرستی و شامل حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً عدم وجود بیماری است و از طرفی بر اساس آموزه‌های شرعی، سلامت به‌مانند یک حق انسان، مورد توجه دین اسلام قرار گرفته است و این حق سلامت دارای ابعاد مختلفی چه از لحاظ جسمانی، روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی است که همه زوایای زندگی انسان را در برمی‌گیرد (صفی‌خانی، ۱۳۸۶:۲۲۵). بدین‌سان، سلامت شامل موارد مختلفی هست از جمله سلامت روان و این سلامت روان وقتی در حوزه کودک مورد مباحثه قرار می‌گیرد، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد و به‌عبارت‌دیگر همان‌طور که در کنوانسیون حقوق کودک مورد تصریح قرار گرفته است «رشته کاملی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال را که برای بقاء، پرورش، حفاظت و مشارکت آن‌ها در زندگی اجتماعی‌شان، حیاتی است به‌صورت امری به‌هم‌پیوسته و تفکیک‌ناپذیر، تصدیق و تحکیم نموده است، به خاطر این پیوند (حقوق اطفال و بقاء و پرورش آن‌ها) کنوانسیون مسائلی چون آموزش، تندرستی، تغذیه، استراحت و آرامش، تأمین اجتماعی، مسئولیت والدین را مورد توجه قرار داده است» (بیگی، ۱۳۸۸:۱۷۳) بنابراین منظور از حق سلامت کودکان، مفهومی عام و شامل همه حقوق متصوره است چراکه در نقض آن‌ها، موجب نقض حق سلامت روانی کودکان تحقق خواهد یافت.

## ۲. مسئله‌زا بودن جرم‌انگاری جرائم دولتی

یکی از چالش‌های مطروحه در جرائم دولتی، نگاهی حَسَب اصل قانونی بودن به این نوع جرائم است که در این حالت به دلیل عدم وجود عنصر قانونی در حقوق داخلی دولت‌ها در خصوص رفتارهای هنجارشکن و تعرض به حقوق شهروندان جامعه توسط دولت‌ها که ممنوع نگردیده است و بدین‌سان با خلأ عنصر قانونی مواجه است، درحالی‌که جرائم دولتی تحقق می‌یابد اما این دولت‌ها هستند که آن را توجیه می‌کنند و درصدد اول انکار آسیب، دوم انکار بزه دیدگان، سوم انکار مسئولیت‌ها، چهارم محکوم کردن دیگران و در آخر استناد به اصل وفاداری به مافوق را مورد توجه قرار می‌دهند (matza, 1957:131 به نقل از عبدالمی، ۱۳۹۸:۹۷) درحالی‌که در واقع این جرائم با شدت بسیاری روزانه اتفاق می‌افتد، دولت‌ها علیه شهروندان خود (فرض مثال تغییرات اقلیمی) و علیه شهروندان کشورهای دیگر (اقدامات جنایت‌کارانه روزانه اسرائیل) مرتکب می‌شوند، بدین‌سان در حوزه جرائم دولتی، باید از تعریف جرم حسب اصل قانونی بودن فراتر گام نهاد و مباحث آسیب‌های اجتماعی و انحرافات را در حوزه این جرائم قرار داد، به عبارتی انتساب جرم را در پنداره جرائم دولتی باید نه به علت جرم‌انگاری شدن رفتارها در نظام عدالت کیفری کشورها بلکه باید به‌واسطه ماهیت منحصربه‌فرد و بالاتر از جرائم معمولی این رفتارها است (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶:۸۸) اما این اشکال تا حدودی رفع شده است همان‌طور که مولینز و روت‌در این خصوص بیان کرده‌اند که «استفاده از حقوق بین‌الملل شامل قوانین عرفی، پیمان‌نامه‌ها، منشورها، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی، قدرتمندترین مبنا را برای تعریف جرائم دولتی تشکیل می‌دهند؛ زیرا این چارچوب شامل معیارهایی مانند حقوق بشر و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بوده و مبنای حقوقی محکمی را نیز ارائه می‌دهد» (کسلت، ۱۳۹۷:۱۱۰) بدین‌سان علیرغم عدم جرم‌انگاری رفتارهای



نامشروع دولت‌ها و از طرفی توجیه این رفتارها بر اساس نظریه فنون خنثی‌سازی متزا که اشاره شد، واقعیت غیرقابل انکار جوامع انسان‌ها اقدامات نامشروع دولت‌ها در راستای دستیابی به آماج خویش است و چون «حقوق بنیادین، شامل حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی، عدالت و نفی هرگونه تبعیض، حق انتخاب و مردم‌سالاری است و حتی با وضع قانون قابل سلب نیست» (شیری، ۱۳۹۸:۲۰۶) بنابراین عدم وجود عنصر قانونی به معنای حقوق جزا مانع از مسئولیت دولت‌ها در این حوزه نیست و دولت‌ها مکلف به رعایت حقوق بنیادین بشری من جمله حق بر سلامت روانی کودکان می‌باشند.

### ۳. حکمرانی خوب از دیدگاه سلامت روانی کودکان

با مذاقه در پژوهش‌ها قابل توجه است که «حق‌های بشری و به‌ویژه حق‌های مدنی و سیاسی پیش از آن که حق‌هایی قانونی<sup>۱</sup> باشند، ارزش‌هایی اخلاقی آبه شمار می‌روند» (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲:۴۹) بدین سان گفتمان از ارزش‌های انسانی است که در حوزه حقوق فراتر از تکلم، مورد بازخواست قرار می‌گیرد و حق بر سلامت روان کودکان، صاحبان آینده زمین و بشریت، مقدمه‌ای است بر تمامی حقوق بنیادین بشری. این حق سلامت بر روان متفاوت از حق بر سالم بودن روان است، چراکه حق بر سالم بودن روان نشانگر بیمار نبودن آن است اما حق بر سلامت روان کودکان مثبت ابعاد مختلف جسمی، روحی، اجتماعی است. (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲:۴۹) و «حکمرانی خوب مفهومی است دربرگیرنده معیارها و استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومت‌داری که دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره می‌کنند و حقوق بشر را تضمین می‌نمایند و از ارکان مهم حکمرانی خوب می‌توان به شفافیت، کارایی و اثربخشی، پاسخ‌گویی، مسئولیت، حاکمیت قانون و مشارکت نام برد» (براتی، ۱۳۹۸:۲۲) بنابراین حکمرانی خوب مستلزم تضمین حقوق بشر و به‌عبارت‌دیگر حق بر سلامت به‌عنوان یک حق بشری است، از آنجاکه کودکان دارای شرایط جسمی و روحی آسیب‌پذیر دارند، رعایت این حق توسط دولت‌ها از اهمیت صدچندان برخوردار است و این موضوع در مواد ۲۴، ۲۵ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان مهم‌ترین سند در حوزه کودکان هست که دولت‌ها به تأمین این حق ملتزم شده‌اند (شاملو و حسینی، ۱۳۹۹:۷۳) اما نکته‌ای قابل توجه در اینجا توجه به دو موضوع است (الف) حق بر تأمین سلامت (ب) حق بر تأمین شرایط محیط تأمین سلامت، در خصوص گویه اول، دولت‌ها امکان تضمین بر حق بر تأمین سلامت را ندارند چراکه هیچ دولتی نمی‌تواند این حق تأمین بر سلامت را تضمین نماید اما در گویه دوم دولت‌ها باید محیطی فراهم سازند که موجب تأمین سلامت شود که در اینجا هم این یک تعهد به‌وسیله است و نمی‌توان تعهد به نتیجه را شامل حال آن نمود، اما در همین حال هم می‌توان خوانش سومی را مورد تصریح قرارداد که دولت‌ها مکلف به تأمین حداقل استانداردها هستند که در این مبحث باید اقدام نمایند.

مفهوم سلامت روانی از نظر سازمان بهداشت جهانی چیزی فراتر از نبود اختلال‌های روانی (خوب بودن ذهنی، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و شایستگی، وابستگی میان نسلی، خودشکوفایی و توانمندی بالقوه فکری و هیجانی) است.

در کنوانسیون حقوق کودک نیز حق کودک بر سلامت من جمله سلامت روان مورد شناسایی قرار گرفته است «بر اساس بند ۱ ماده ۲۴ حکومت‌ها حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همه امکانات برای سلامت ماندن به رسمیت شناخته شده است» (بیگی و تیموری، ۱۴۰۱:۱۱۵) بدین سان حسب اسناد بین‌المللی، تعهد دولت‌ها بر تأمین حق سلامت انسان‌ها از جمله کودکان است که دولت ایران نیز مشروط در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق شده است و حسب ماده ۹ قانون مدنی، این کنوانسیون در حکم قانون است.

### ۴. جلوه‌های نقض حق بر سلامت روانی کودکان

تعاریف مختلفی از سلامت روان نمایانده شده است که از جمله «عبارت است از حداکثر اثربخشی و رضایت به‌دست آمده از تقابل فردی و اجتماعی که شامل احساسات و بازخوردهای مثبت نسبت به خود و دیگران می‌شود» (Chauhan, 1991) به نقل از

1. Leghal rights
2. Moral values





حیدری، ۱۳۹۶:۱۶۳) مبحثی که حتی در اسلام از قبل تولد مورد توجه قرار گرفته است. انجمن بهداشت روانی کانادا در یک دید جامع، بهداشت روانی را در سه قسمت: نگرش‌های مربوط به خود، نگرش‌های مربوط به دیگران و نگرش‌های مربوط به زندگی تعریف می‌کند. از نظر این انجمن بهداشت روانی یعنی: توانایی سازگاری با دیدگاه‌های خود، دیگران و رویارویی با مشکلات روزمره زندگی. (حیدری، ۱۳۹۶:۱۶۳) بدین‌سان در مقوله سلامت روان به همه نگرش‌های پیرامون کودکان باید توجه شود. یکی از موارد حق سلامت کودکان، سلامت روانی کودکان است که متأسفانه با بی‌توجهی مورد نقض قرار می‌گیرد، در این نوع نقض، کودکان از لحاظ شخصیت، جنسیت و معنویت دچار اختلال شده و حتی امکان به مخاطره افتادن جسم کودکان نیز وجود دارد (نقدی نژاد، ۱۳۹۰:۱۷) و در بیانی دیگر این نقض حق بر سلامت روان کودکان «شامل هر رفتار یا نگرشی است که موجب نگرانی و ترس در کودکان شود، شامل ارعاب، آزار رساندن، آسیب به شخصیت کودک، تهدید به آزار جسمی یا جنسی، قرار دادن کودک در معرض آزار جسمی، جنسی، روانی و غفلت شخص دیگر، بی‌احترامی به شخصیت و شایستگی اجتماعی کودک است» (قادری، حسینی و مصلائی، ۱۴۰۰:۲۱) پس هر رفتاری که موجب ورود آسیب به روان یا جسم کودکان شود، مصداق کامل نقض حق سلامت روانی کودکان تلقی می‌شود که دولت‌ها تعهد به حفظ محیط لازم برای تأمین این حق گردیده‌اند. حق نیازی هست که صورت قانونی و رسمی به خود گرفته و اجتماع انجام شدن آن را وارد دانسته است که در صورت عدم تحقق آن، موجب ورود آسیب به سلامت جسمی و روانی فرد می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۰:۱۳۷) بنابراین حق ادعایی است که مستلزم وجود وظیفه یا تعهد در طرف مقابل است، حقوق بشر امروزین در حقیقت حق‌های کسان در مقابل دولت هست و دولت متعهد به ضمانت این حقوق مردم هست و نوع ماهیت این تکلیف دولت در مقابل افراد، یعنی بین تعهد به‌وسیله‌آ و تعهد به نتیجه<sup>۳</sup> باید تمایز قائل شد، (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲:۳۱) بدین‌سان تمایز تعهد به‌وسیله یا تعهد به نتیجه، یکی از چالش‌ها در موضوع نقض حق بر سلامت روانی کودکان هست، در زمان اجرای حق، خود را نمایان می‌سازد، جایی که کشمکش میان تعهد به‌وسیله یا تعهد به نتیجه رخ می‌نماید که تکالیف دولت در حفظ حق سلامت روان کودکان یک تعهد به نتیجه (تکلیف دولت به تدارک حق ذی‌حق) است یا نه آن در قالب تعهد به‌وسیله (تلاش دولت در حد توان) هست، قائل شدن به هر یک از این دو نگرش، آثار خاص خود را نشان خواهد داد، در صورتی که تعهد دولت‌ها، یک تعهد به نتیجه نگریسته شود، هرگونه عدم دسترسی به نتایج موردنظر، به معنای شکست دولت‌ها و تحقق نقض حق سلامت روان کودکان به‌مثابه یک جرم دولتی است، اما اگر نگاه به گویه تعهد به‌وسیله باشد، در این نوع نگاه، دولت‌ها متعهد به حداکثر تلاش برای فراهم کردن این بستر می‌گردند و در این میان اگر دولتی ناتوان باشد، با توجه به تعهد به‌وسیله دولت‌ها، دیگر عوض سرزنش قرار نخواهد داشت، اما با توجه به حساسیت مقطع زمانی از لحاظ شرایط سنی کودکان، باید حرکت دولت‌ها از تعهد به‌وسیله به سمت تعهد به نتیجه شکل گیرد تا بتوان با حفظ سلامت روان کودکان، جامعه انسانی سالم در آتیه داشت.

کودکان دارای حقوقی در خانواده از قبیل نگهداری و تربیت کودک، شیر دادن طفل، مخارج نگهداری کودکان، حق برخورداری از محبت، حق برخورداری از احترام، حق برخورداری از آرامش و امنیت، حق اظهارنظر و عقیده، حق زندگی با پدر و مادر، حق آموزش، تحصیل، حق تفریح و بازی می‌باشند که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز مورد تصریح قرار گرفته است. قانون‌گذار این در صورتی که اطفال در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار گیرند، به‌عبارت‌دیگر نقض حق سلامت روان آن‌ها محقق شود، موجب مداخله و حمایت قانونی از اطفال دانسته است در این زمینه ماده ۳ قانون مارالذکر، موارد زیر را در صورتی که طفل یا نوجوان در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار گیرد را وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده نموده است که جلوه‌هایی از نقض حق سلامت روانی کودکان تلقی می‌شود، عبارت‌اند از:

1. Social Competancy
2. Obligation of Conduct
3. Obligation of Result

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان‌شهری، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



الف) بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛

ب) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی و آگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛

پ) زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛

ت) ابتلا هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیاد‌های زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روان‌گردان یا قمار؛

ث) قوادی و یا دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتها آن‌ها به فساد اخلاق و فحشا؛

ج) خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛

چ) عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛

ح) بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛

خ) طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛

د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛

ذ) نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، وارد شدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روان‌گردان یا مشروبات الکلی؛

ر) هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی؛

ز) فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛

ژ) سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او

و امثالهم که موجب نقض حق سلامت روان کودکان می‌شود که در این زمینه دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه تشکیل می‌شود که در شرایط مخاطره‌آمیز بودن، لازم به مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود و از طرف دیگر حسب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، جرم رفتاری اعم از فعل و ترک فعل است که در قانون جرم‌انگاری شده باشد، لذا عدم مداخله دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه در موارد نقض حق سلامت کودکان، ارتکاب جرم از نوع ترک فعل است و از آنجاکه مفهوم دولت در جرائم دولتی شامل همه ارکان حکومت است، پس عدم مداخله می‌تواند یک جرم دولتی باوجود سایر شرایط (سامان‌مند بودن، در راستای منافع دولت بودن و...) تلقی شود.

قانون‌گذار ایران در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی موضوع تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی را مورد اشاره قرار داده و این ماده را در راستای تضمین کیفری حقوق عام انسان‌ها و آزادی‌های افراد مورد تصویب قرار داده است، بنابراین اگر دولت مرتکب نقض حقوق مردم در این خصوص گردد، به مجازات مذکور محکوم می‌گردد.

یکی از موارد مهم آسیب‌زا به روان کودکان، مبحث طلاق و جدایی والدین است که در دو برهه زمانی پدیدار می‌شود، نخست قبل از طلاق «که در اثر تعارضات و خشونت‌های رایج در خانواده آسیب می‌بیند» (نقدی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۶) که در این کشمکش‌ها آسیب‌های روانی بسیاری بر کودکان وارد می‌شود که حکومت راهکارهای لازم در مدیریت این آسیب‌ها نیندیشد، آسیب‌ها تبدیل به انحراف و انحراف مبدل به ارتکاب جرم خواهد شد و یکی از وظایف دولت‌ها پیشگیری از وقوع جرم است که در صورت عدم اقدام به موقع، می‌تواند مصداق جرم دولتی تلقی شود. دوم پس از طلاق و جدایی زندگی طفل با یکی از والدین، موجب قرار گرفتن طفل در معرض انواع تهدیدها می‌گردد و احتمالاً ازدواج مجدد والد طفل، قرار گرفتن طفل در معرض نامادری یا ناپدری، موجب افزایش احتمال خطر و تهدید برای کودک است که شرایط اقتصادی جامعه نقش مشخصی را عهده‌دار است و سبب ایجاد





شرایط اقتصادی بد برای جامعه که موجب بروز آسیب روان کودکان می‌گردد، اصولاً دولت‌ها می‌باشند که خود می‌تواند یک جرم دولتی تلقی شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد حقوق بشری و بالینی به اطفال از جمله بزهکاری اطفال در دهه‌های اخیر موجب توجه بیشتر عدالت کیفری دولت‌ها به موضوع کودکان و نوجوانان گردد و در این میان موضوع سلامت روان کودکان به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی کشورها دارای اهمیت بی‌شماری است که حق بر سلامت کودکان در قوانین داخلی و بین‌المللی که بعضاً در حکم قانون برای کشور است به رسمیت شناخته شده است و دولت‌ها تکلیف بر رعایت آن دارند؛ بنابراین حق بر سلامت روان کودکان یکی از حقوق اولیه کودکان بوده که نقض آن باید با ضمانت کیفری مواجه گردد چراکه دولت ایران نیز با پذیرش مشروط و ملحق شدن به کنوانسیون حقوق کودک، بر اساس ماده ۹ قانون مدنی که مواد این کنوانسیون برای دولت ایران در حکم قانون و لازم‌الاجرا است، عهده‌دار تضمین این حق هست.

از طرف دیگر برخلاف اوایل تاریخ که مفهوم دولت را یک مفهوم قدسی می‌پنداشتند با گذر زمان، مشاهده شد که خود دولت‌ها اقدام به ارتکاب جرم نموده و حقوق بنیادین مردم را نقض می‌نمایند که جرم‌شناسی جرائم دولتی، راه خود را در مطالعات جرم‌شناسی انتقادی باز نمود و بدین‌سان اجماعی بین محققین در تعریف جرائم دولتی حاصل شد و مطالعات جرائم دولتی مورد توجه قرار گرفت، رفتارهای دولت‌ها که به‌ظاهر قانونمند است اما با سوءاستفاده از قدرت موجب گسترش بی‌عدالتی می‌شوند. البته باید بین جرائم دولتی با جرائم کارکنان دولتی قائل به تمییز شد چراکه در جرائم دولتی رفتارهای سامانمند و نفع عمومی دولت مورد توجه است اما در جرائم کارکنان دولت، این شاخص‌ها مورد توجه نیست.

دولت‌ها امروزه نقش غیرقابل‌انکاری در حمایت از حقوق بنیادین بشری شهروندان خود دارند و یکی از این حقوق حق سلامت شهروندان است که می‌توان حق سلامت روان کودکان را نیز در راستای حق مذکور مورد اشاره قرار داد که این حق می‌تواند توسط خانواده، معلمان، همسالان و... مورد تعرض واقع شود که در اینجا به‌صراحت دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان قوه قضاییه تکلیف بر مداخله دارد و دولت نیز حسب اصول قانون اساسی و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات دارای نقش غیرقابل‌انکاری با ضمانت کیفری است.

بدین‌سان با توجه به مطالب مارالذکر قابل‌ذکر است که امکان تحقق جرم دولتی در نقض حق سلامت روان کودکان وجود دارد ولی به‌جز ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی از نوع ترک فعل، موارد مورد ذکر در قانون حمایت از خانواده و یا کنوانسیون حقوق کودک که در حکم قانون است برای حمایت از حقوق کودکان، نیاز به جرم‌انگاری رفتار دولت‌ها در نقض حقوق بنیادین بشری شهروندان خود دارد.

### راهکارها و پیشنهادها

در راستای حفظ سلامت روان کودکان راهکارها و پیشنهادها بسیاری قابل طرح است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. نگرش جهان در مقوله حفظ سلامت روان کودکان باید تغییر تعهد دولت‌ها از تعهد به‌وسیله به سمت تعهد به نتیجه باشد و امکانات خود را برای حفظ سلامت روان کودکان به‌کارگیرند.
۲. توجه به پیشگیری اجتماعی (اعم از رشد مدار و جامعه مدار) به‌عنوان مهم‌ترین الگو در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، سرلوحه امور دولت‌ها باشد.
۳. توجه به اندیشه عدالت ترمیمی و دور نگه‌داشتن کودکان تا امکان از سیستم عدالت کیفری.
۴. عدم وجود مدیریت یکپارچه و از طرفی وجود موازی کاری و همچنین عدم وجود برنامه جامع در راستای پر نمودن اوقات فراغت کودکان که موجب ورود آسیب می‌گردد و لازم است، مدیریت یکپارچه و حذف موارد موازی کاری در دستور کار قرار گیرد.



۵. اقدامات لازم در راستای افزایش علم و آگاهی مردم، شناساندن حقوق کودک به آن‌ها.
۶. حفظ و افزایش بهداشت روانی کودکان و مادران با جلب نظر کارشناسان.
۷. توجه به معیشت کودکان و حمایت‌های کافی از فرزندان زندانیان.
۸. پرورش متخصصین روان‌شناسی و روان‌پزشک در حوزه کودکان.
۹. گسترش بیمارستان‌های تخصصی کودکان و نوجوانان.
۱۰. تصویب قانون حمایتی، مقصود قوانینی هست که با هدف حمایت از اطفال که به علت ناتوانی والدین و ... در معرض خطر قرار دارند.
۱۱. ایجاد و توسعه مراکز اصلاحی و تربیتی با تشویق بخش خصوصی.

### منابع

۱. بیگی، جمال (۱۳۸۸)، *بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران*، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ دوم.
۲. بیگی، جمال و تیموری، مهرداد (۱۴۰۱) راهبرد نگاری قانونی و اصول اخلاق پزشکی در زندان برای سیاست‌گذاری نظام سلامت در پاندمی کرونا، *نشریه اخلاق پزشکی*، (۴۷): ۱۲۰-۱۰۸.
۳. جوادی حسین‌آبادی، حسین و آقابابایی طاقانکی، عظیم (۱۴۰۰) آراء، (۲۳): ۱۷-۱.
۴. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۱) *حقوق تربیتی کودک در اسلام*، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول.
۵. حبیبی مجنده، محمد (۱۳۸۶) *حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر*، جلد دوم.
۶. حیدری، مسعود (۱۳۹۶) *حمایت از اطفال در سیاست جنایی اسلام و ایران*، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۷. ذاکریان امیری و باقری حامد، یوسف و همکاران (۱۳۹۷) حق بر سلامت و بهداشت عمومی از منظر حقوق بنیادین بشر، *فصلنامه حقوق پزشکی*، (۴۶): ۱۲-۲۰۵.
۸. شاملو، باقر و حسینی، انسبه (۱۳۹۹) حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، (۹۲): ۷۱-۹۶.
۹. شیرینی، عباس (۱۳۹۹) بررسی سیاست‌گذاری جرم دولتی در ایران، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۶: ۲۰۹-۱۹۳.
۱۰. صفی‌خانی، حمیدرضا، (۱۳۸۶). *سلامت از دیدگاه اسلام*، تأمین اجتماعی، (۱): ۲۴۶-۲۲۵.
۱۱. عبدالمهدی، معاذ (۱۳۹۸) *واکاوی جرم‌نگاری جرائم دولتی در پرتو اندیشه سیاسی فردگرا*، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۱۲. غلامی، نبی‌اله و عباسی، محمود (۱۳۹۶) درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی، *مجله اخلاق زیستی*، (۲۴): ۹۷-۸۴.
۱۳. قادری، سلمان؛ حسینی، مریم؛ مصلائی، سیده مهستا (۱۴۰۰) *کودک‌آزاری، دلایل، پیامدها و روش‌های پیشگیری*، چاپ دوم، تهران، انتشارات آرون.
۱۴. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۲) *حقوق بشر در جهان معاصر*، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. قاسم‌زاده، فاطمه (۱۳۸۰) *آری گفتن به نیازهای کودکان*، چاپ اول، تهران، انتشارات دنیای مادر.
۱۶. گرین، پنی؛ وارد، تونی (۱۳۹۸) *جرم دولتی، حکومت‌ها، خشونت و فساد*، ترجمه عبداللهی، معاذ و محمدی، بهار، مهر کلام، چاپ اول، تهران.
۱۷. گل‌خندان، سمیرا (۱۳۹۸) تحلیل نظری جرائم علیه بشریت در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، (۳۹): ۱۹۷-۱۷۷.
۱۸. لسلت، کریستین (۱۳۹۷) *رویکرد جرم‌شناختی به جرائم دولتی و پاسخ به آن‌ها*، ترجمه غلامی، جمشید و صادقی، آزاده، مندرج در کتاب: *رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌الملل کیفری*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، نشر میزان.
۱۹. مهدوی، محمود (۱۳۹۸) *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)* انتشارات سمت، چاپ چهارم.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت‌های حقوقی پزشکی فرزندی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



۲۰. میر خلیلی، سید محمود؛ عبدالهی، معاذ (۱۳۹۷) مبانی اخلاقی-روانشناختی ضرورت جرم‌انگاری جرائم دولتی با تأکید بر مدل‌های حکومتی، پژوهش‌های اخلاقی: ۱۲۳-۱۳۸
۲۱. نقدی نژاد، مجتبی (۱۳۹۰) پیشگیری از بزه دیدگی اطفال در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، انتشارات جاودانه، جنگل، تهران، چاپ دوم.
۲۲. نیاورانی؛ صابر و جاوید، احسان (۱۳۹۲) قلمرو حق سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۴۱): ۴۷-۷۰.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۹) فرهنگ فارسی عمید، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ سوم
24. Callan,D (1973),The WHO Definition of Health (The Concept of Health), Publications Med –indexed for Medline, The Hastings Center Studies, 1(3):77-87.
25. Matza,D & Sykes,G (1957), Techniques of Neutralization: a Theory of Delinquency:131.
26. Chauhan,S S (1991),Mental Hygiene New Delhi Allied publishers.





## Violation of the Right to Mental Health of Children is a State Crime

**Jamal Beigi**

Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)

[jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir](mailto:jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir)

**Fatemeh Ahadi**

Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

[Fatemeh.ahadi1394@gmail.com](mailto:Fatemeh.ahadi1394@gmail.com)

**Naser Aghamohammadi**

Ph.D Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

[Aghamohammadi52@ut.ac.ir](mailto:Aghamohammadi52@ut.ac.ir)

### Abstract

**Background and Aim:** Children are the social assets of any society and they need a favorable environment for their growth so that they can take the healthy path of growth and development by staying safe from the harms and dangers around them and in the future they can take on the duties of governance with a healthy mind. be desirable in the country that the government is also responsible for its duties according to the normal and basic laws and international treaties, the purpose of this research is to investigate and evaluate the possibility of violation of children's right to mental health by governments as a state crime in order to prevent this behavior in It is for the health of society Materials.

**Methods:** This article is a review type and has been done with the method and use of library resources. Ethical considerations: In all stages of the research, efforts have been made to comply with ethical considerations.

**Findings:** They indicate that despite the fact that state crimes in most areas are faced with the absence of a legal element, but in the discussion of the right to mental health of children, considering the accession of most countries to the Convention on the Rights of the Child, as well as the principles of the constitution and ordinary laws, including the article 570 of the Islamic Republic of Iran and the Child Protection Law, there is no loophole in the law and children can enjoy their right to mental health, and in case of violation of this right by ordinary people, the Office of Children and Adolescent Protection, the Judiciary is obliged to intervene and If it is widely and systematically violated and in line with the state's interests, a state crime is realized.

**Conclusion:** Considering the sensitive conditions of children and children, the need to protect the right of children's mental health requires the criminalization of the government's systematic behavior in this regard.

**Keywords:** State Crimes, Mental Health of Children, Right to Health, Fundamental Rights